



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۳/۱۵

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

## بررسی استدلال های موافقان و مخالفان یادگیری بدون تکلیف در دوره ابتدایی

عبدالمجید احمدی

کارشناسی آموزش و پرورش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید باهنر، فارس، ایران

*abdolmajid.ahmadi@gmail.com*

### چکیده

یادگیری بدون تکلیف یک رویکرد آموزشی است که در آن یادگیرندگان به جای انجام تکالیف خانگی، با فعالیت های عملی، پروژه های گروهی، بازی های آموزشی و مطالعه اختیاری یاد می گیرند. تکالیف فرصتی را برای استحکام بخشیدن به آنچه در کلاس درس در آن روز یا هفته تدریس می شود، فراهم می کند. تکالیف تنها حس واقعی والدین نسبت به آنچه در مدارس می گذرد را ارائه می کنند. تکالیف درسی وقتی به درستی طراحی شود می تواند منجر به موفقیت بیشتر یادگیرندگان شود. با این حال، مقدار زیاد آن می تواند اثر معکوس داشته باشد. اگرچه تکالیف دارای مزایا و معایب تحصیلی و غیر درسی است، اکثر مطالعات انجام شده شواهد غیرقطعی نشان می دهد که تعیین تکلیف باعث افزایش پیشرفت یادگیرندگان می شود. اکثر مطالعات اثرات مثبتی را برای یادگیرندگان خاص نشان می دهند، برخی دیگر هیچ تأثیری را نشان نمی دهند، و برخی حتی اثرات منفی را ایجاد می کنند. رویکرد یادگیری بدون تکلیف در مدارس ابتدایی اثربخش نبوده و بهتر است با روش های دیگر تکمیل شود. برای مثال، آموزگاران می توانند تکالیف را به شکل جذاب و مناسب با سطح یادگیرندگان طراحی کنند، بازخورد مناسب به یادگیرندگان بدهند، تکالیف را با فعالیت های کلاس درس هماهنگ کنند و حجم و زمان تکالیف را کنترل کنند. در این پژوهش به استدلال های موافقان و مخالفان درباره اینکه ارائه تکلیف به یادگیرندگان یا عدم ارائه تکلیف به یادگیرندگان در مدارس ابتدایی بررسی پرداخته است.

**واژگان کلیدی:** یادگیری بدون تکلیف، یادگیرندگان، دوره ابتدایی، آموزگار.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## مقدمه

بحث تکلیف اغلب بر چگونگی و چرایی تأثیر تکلیف بر یادگیری و پیشرفت یادگیرندگان متمرکز است. تکلیف خانه هم پیامدهای مثبت و هم منفی دارند. تکلیف، تمرینی را با محتوا، مفاهیم و مهارت‌هایی که در مدرسه توسط آموزگار آموزش داده می‌شود، فراهم می‌کند و می‌تواند حفظ و درک محتوای آکادمیک را تقویت کند. برخی از مطالعات نشان می‌دهد که تکلیف با پیشرفت یادگیرندگان ارتباط دارد. برخی از مطالعات همچنین نشان می‌دهد که تعیین تکلیف باعث بهبود پیشرفت یادگیرندگان با عملکرد پایین و یادگیرندگان در مدارس با عملکرد پایین می‌شود. با این حال، همبستگی بین پیشرفت یادگیرنده و تکلیف درسی که به یادگیرندگان ابتدایی داده می‌شود، قطعی نیست. یکی دیگر از نگرانی‌های مربوط به تکلیف تداخل آن با زمان استراحت یادگیرنده و دور کردن ذهن آن‌ها از فعالیت بدنی و همچنین وقت خانواده است. یادگیرندگان به جای بازی در بیرون از خانه یا لذت بردن از فعالیت‌های اوقات فراغت، زمان زیادی را صرف انجام تکلیف می‌کنند، که مهارت‌های مهم زندگی را آموزش می‌دهد و تقویت می‌کند. علاوه بر این، تکلیف باعث کاهش زمان صرف شده با خانواده می‌شود. زمان خانواده به ویژه برای یک کودک در حال رشد مهم است و بدون آن مشکلات اجتماعی می‌تواند ایجاد گردد. هر کودکی باید تکلیفش را انجام دهد، اما مقدار و نوع انجام تکلیف باید با سطح رشد او مناسب باشد. برای آموزگاران، این یک اقدام متعادل کننده است. حذف کامل تکلیف به نفع کودکان و خانواده‌ها نیست. اما سنگین کردن تکلیف خانواده‌ها نیز به نفع کودک یا خانواده نیست (Kay et al., 1994).

همه تکلیف برای یادگیرندگان ابتدایی شامل تکمیل یک تمرین نیست. تکلیف می‌تواند سرگرم کننده باشند، مانند اینکه یادگیرندگان از مکان‌های آموزشی بازدید کنند، آمار تیم‌های ورزشی مورد علاقه‌شان را نگه دارند، برای لذت مطالعه کنند یا حتی به والدین خود در خرید مواد غذایی کمک کنند. هدف این است که به یادگیرندگان نشان داده شود که فعالیت‌های خارج از مدرسه می‌تواند با موضوعاتی که در کلاس درس یاد می‌شوند مرتبط باشد (Bempechat et al., 2011). اینک یادگیرندگان باید تکلیف دریافت کنند یا نه، و اینکه چقدر باید تکلیف دریافت کنند، مدت‌هاست که محل بحث والدین و مربیان بوده است. در سال‌های اخیر، برخی از مدارس حتی سیاست‌های عدم ارجاع تکلیف به یادگیرندگان را اجرا کرده‌اند، با این هدف که یادگیرندگان پس از مدرسه به ورزش، موسیقی و سایر فعالیت‌ها بپردازند (Dolean and Lervag 2020). والدین یادگیرندگان دبستانی، به طور ویژه، استدلال کرده‌اند که ساعات بعد از مدرسه باید به جای انجام تکلیف، با خانواده یا بازی در بیرون از خانه و کسب تجارب اجتماعی سپری شود. تحقیقات کمی وجود دارد که نشان دهد تکلیف درسی پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان ابتدایی را بهبود می‌بخشد (Paschal et al., 1984).

اما برخی از کارشناسان می‌گویند که انجام تکلیف حتی برای یادگیرندگان جوان‌تر دارای ارزش است. انجام تکلیف، هنگامی که به خوبی انجام شود، می‌تواند به یادگیرندگان کمک کند تا مفاهیم اصلی را تمرین کنند و عادات مطالعه و مهارت‌های مدیریت زمان را توسعه دهند. کارشناسان می‌گویند که کلید تکلیف مؤثر، حفظ تکلیف مربوط به یادگیری در کلاس و تنظیم مقدار آن بر اساس سن است. بسیاری از کارشناسان توصیه می‌کنند که هیچ تکلیفی برای مهدکودک‌ها وجود نداشته باشد، و در کلاس‌های ابتدایی تکلیف به تدریج افزوده شوند.

همچنین دلایل غیر درسی برای تعیین تکلیف وجود دارد، تکلیف استقلال را تقویت می‌کند، مهارت‌های مدیریت زمان را توسعه می‌دهد و مسئولیت‌پذیری را آموزش می‌دهد. تخصیص تکلیف به یادگیرندگان سن ابتدایی می‌تواند عادات و مهارت‌های



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مطالعه بهتری را برای آموزش متوسطه ایجاد کند. تکالیف باعث ایجاد نگرش مثبت نسبت به مدرسه می‌شود و خانواده‌ها را در مورد یادگیری فرزندشان آگاه می‌کند (Van Voorhis, 2003).

تکالیف تداعی منفی هم دارد. اگر یادگیرنده قبلاً بر مهارت‌ها تسلط داشته باشد، انجام تکالیف در زمینه آن‌ها می‌تواند منجر به کسالت شود و سبب از دست دادن علاقه به مدرسه شود. تقلب یا با کپی کردن کار یادگیرنده دیگر یا زمانی که از بزرگسالان برای انجام تکالیف کمک دریافت می‌شود، همراه می‌شود. همچنین، تعیین تکالیف بیش از حد ممکن است منجر به استرس و فشار بی مورد بر یادگیرنده شود که بر احساسات، رفتارها، توانایی تفکر و سلامت جسمانی یادگیرنده تأثیر می‌گذارد (Kazantzis, 2016).

یکی دیگر از نگرانی‌های مربوط به تکالیف تداخل آن با زمان استراحت یادگیرنده و دور کردن ذهن آن‌ها از فعالیت بدنی و همچنین وقت خانواده است. یادگیرندگان به جای بازی در بیرون از خانه یا لذت بردن از فعالیت‌های اوقات فراغت، زمان زیادی را صرف انجام تکالیف می‌کنند، که مهارت‌های مهم زندگی را آموزش می‌دهد و تقویت می‌کند. علاوه بر این، تکالیف باعث کاهش زمان صرف شده با خانواده می‌شود. زمان خانواده به ویژه برای یک کودک در حال رشد مهم است و بدون آن مشکلات اجتماعی می‌تواند ایجاد گردد (Kazantzis, 2016).

## ارجاع تکالیف به یادگیرندگان: موثر یا مخرب؟

تکلیف کلمه‌ای است که اکثر یادگیرندگان از شنیدن آن وحشت دارند. بعد از ساعت‌ها نشستن در کلاس، آخرین چیزی که می‌خواهند این است که در آخر هفته‌های ارزشمندشان، تکالیف مدرسه بیشتری داشته باشند. در حالی که تکلیف به عنوان یکی از اجزای اصلی آموزش سنتی شناخته شده است، امروزه به موضوعی نسبتاً متفاوت تبدیل شده است. برخی احساس می‌کنند که تکالیف یک بخش ضروری مدرسه است، در حالی که برخی دیگر معتقدند که می‌توان زمان را بهتر برنامه‌ریزی کرد (Xu, 2016).

## مزایای ارجاع تکالیف به یادگیرندگان

در این بخش به بررسی جوانب مثبت ارجاع تکالیف به یادگیرندگان پرداخته می‌شود.

### شفافیت مفاهیم در ذهن یادگیرنده

بسیاری از مردم بر این باورند که یکی از تأثیرات مثبت تکالیف این است که باعث ایجاد نظم در تمرین می‌شود. در حالی که ممکن است در مقایسه با سایر فعالیت‌ها زمان‌بر و خسته‌کننده باشد، برای بهتر شدن در مهارت‌ها به تکرار نیاز است. تکالیف به شفاف‌تر شدن مفاهیم کمک می‌کند و به یادگیرندگان فرصت‌های بیشتری را هنگام شروع حرفه‌شان می‌دهد (Valle Arias et al., 2018).

### افزایش ارتباط والدین و یادگیرندگان

در صورتی که محیط سالم باشد، تکالیف می‌تواند چیزی باشد که والدین را در زندگی فرزندانشان دخالت دهد. والدینی که به فرزندشان در انجام تکالیف کمک می‌کنند، در موفقیت تحصیلی آنان شرکت کنند و به والدین اجازه می‌دهد تا با آنچه کودک



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

در مدرسه انجام می‌دهد، همراهی کنند. همچنین می‌تواند فرصتی برای ارتباط با یکدیگر باشد (Dolean and Lervag, ۲۰۲۰).

## توسعه مهارت‌های مدیریت زمان

تکالیف خیلی بیشتر از انجام دادن تمرین‌های محوله است. تکالیف می‌تواند مهارت‌های مدیریت زمان را توسعه دهد و یادگیرندگان را مجبور کند تا زمان خود را برنامه ریزی کنند و مطمئن شوند که تمام تکالیفشان به موقع انجام می‌شود. یادگیرندگان با یادگیری مدیریت زمان، مهارت‌های حل مسئله و تفکر مستقل خود را نیز تمرین می‌کنند. یکی از اثرات مثبت تکالیف این است که تصمیم‌گیری و سازش را اجبار می‌کند (Bemppechat et al., 2001).

## ایجاد تعامل یادگیرنده، آموزگار، مدرسه و والدین

تکالیف باعث ایجاد ارتباط بین یادگیرنده، آموزگار، مدرسه و والدین می‌شود. این به همه اجازه می‌دهد تا یکدیگر را بهتر بشناسند و والدین می‌توانند ببینند که فرزندانشان در کجا با مشکل مواجه هستند. به همین معنا، والدین نیز می‌توانند ببینند که فرزندانشان در کجا عالی هستند. تکالیف به نوبه خود می‌تواند برنامه آموزشی بهتر و هدفمندتری را برای یادگیرنده فراهم کند.

## زمان بیشتر برای یادگیری

تکالیف زمان بیشتری برای تکمیل فرآیند یادگیری در اختیار می‌دهد. ساعات مدرسه همیشه زمان کافی برای یادگیرندگان برای درک واقعی مفاهیم اصلی نیست، و تکالیف می‌توانند با تأثیرات کمبود زمان مقابله کنند و در درازمدت برای یادگیرندگان مفید باشند، حتی اگر در لحظه آن را نبینند (Kay et al., 1994).

## تشویق مطالعه در خانه

بسیاری از یادگیرندگان شمالی ساعات بسیار زیادی را صرف تماشای تلویزیون می‌کنند. اگر آنها در مدرسه نبودند، این تعداد احتمالاً حتی بیشتر می‌شد. اگرچه مشق شب معمولاً نامطلوب است، اما عادات مطالعه بهتر را تشویق می‌کند و از گذراندن وقت در مقابل تلویزیون جلوگیری می‌کند. تکالیف را می‌توان به عنوان یکی دیگر از فعالیت‌های فوق برنامه در نظر گرفت و بسیاری از خانواده‌ها در حال حاضر زمان و پول زیادی را در باشگاه‌ها و فعالیت‌های مختلف سرمایه‌گذاری می‌کنند تا وقت اضافی فرزندان خود را پر کنند. درست مانند فعالیت‌های فوق برنامه، تکالیف درسی می‌تواند در برنامه فرد قرار گیرد (Van Voorhis, 2003).

## معایب ارجاع تکالیف به یادگیرندگان

در این بخش به بررسی تأثیرات نامطلوب تکالیف بر یادگیرندگان پرداخته می‌شود.

## کاهش تحرک یادگیرندگان

در حالی که زمان کلاس درس مهم است، زمان بازی نیز به همان اندازه مهم است. اگر به کودکان تکالیف زیادی داده شود، زمان بازی کافی نخواهند داشت، که می‌تواند بر رشد اجتماعی و یادگیری آنها تأثیر بگذارد. مطالعات نشان داده است که



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کسانی که بیشتر بازی می‌کنند، نمرات بهتری در مدرسه می‌گیرند، زیرا می‌تواند به آنها کمک کند در کلاس درس توجه بیشتری داشته باشند (Cooper et al., 1998).

بچه‌ها ساعت‌های طولانی در کلاس درس می‌نشینند و تکالیف درسی فقط به این ساعات اضافه می‌کنند. سبک زندگی بی‌تحرك می‌تواند خطرناک باشد و باعث مشکلات سلامتی مانند چاقی شود. تکالیف زمانی را که می‌توان صرف سرمایه‌گذاری در فعالیت بدنی کرد، از بین می‌برد.

## عدم وجود فضای مفید یادگیری در خانه

در حالی که بسیاری از افرادی که فکر می‌کنند خانه‌ها محیطی مفید برای یادگیری کودکان است، همه خانه‌ها محیطی سالم را فراهم نمی‌کنند و ممکن است سرمایه‌گذاری بسیار کمی از سوی والدین انجام شود. برخی از والدین هیچ نوع حمایت یا کمکی برای انجام تکالیف انجام نمی‌دهند و حتی اگر بخواهند به دلیل موانع شخصی، گاهی اوقات نمی‌توانند. تکالیف می‌تواند بین کودکان و والدین آنها اصطکاک ایجاد کند که یکی از دلایل بد بودن تکالیف است (Paschal et al., 1984).

## خستگی یادگیرندگان

مدرسه در حال حاضر یک شغل تمام وقت برای یادگیرندگان است، زیرا آنها معمولاً بیش از ۶ ساعت در روز را در کلاس می‌گذرانند. همچنین یادگیرندگان اغلب فعالیت‌های فوق برنامه‌ای مانند ورزش، موسیقی یا هنر دارند که به اندازه دوره‌های سنتی آنها مهم است. اضافه کردن ساعات اضافی به همه این خواسته‌ها مانع از آن می‌شود که یادگیرندگان وقت اضافی برای خود برای انواع تلاش‌های خلاقانه داشته باشند. تکالیف از کشف خود و داشتن زمان برای یادگیری مهارت‌های جدید خارج از سیستم مدرسه جلوگیری می‌کند. این یکی از معایب اصلی تکالیف است (Kay et al., 1994).

## ابهام در مورد تاثیر ارجاع تکالیف

نظرسنجی‌های متعددی نشان داده‌اند که تکالیف نگرش منفی نسبت به مدرسه ایجاد می‌کند و مشخص نشده است که تکالیف با سطح بالاتر موفقیت تحصیلی مرتبط باشد. از اثرات مثبت تکالیف به اندازه کافی پشتیبانی نشده است. در حالی که تکالیف ممکن است به برخی از یادگیرندگان کمک کند تا در موضوعات خاص پیشرفت کنند، هیچ مدرک واقعی وجود ندارد که تکالیف درسی باعث پیشرفت شود.

اجرای واقعی تکالیف می‌تواند یک چالش باشد و یادگیرندگان همچنان می‌توانند بدون انجام تکالیف خود نمرات مناسبی کسب کنند. وقت اضافی مدرسه لزوماً به معنای نمرات بهتر نیست، کیفیت همیشه باید بر کمیت مقدم باشد.

تمرین دقیق در مورد تکالیف به سادگی قابل اعتماد نیست. تکالیف خانه حتی می‌توانند اثرات معکوس داشته باشند، به‌ویژه که تکالیف به یادگیرنده و والدینشان بستگی دارد. بسیاری از یادگیرندگان ترجیح می‌دهند در کلاس تقلب کنند تا از انجام تکالیف در خانه خودداری کنند، و بچه‌ها اغلب فقط از یکدیگر یا مطالبی که در اینترنت می‌خوانند کپی می‌کنند (Xu, 2016).

## استرس ناشی از تکالیف زیاد

توافق کلی این است که به یادگیرندگان نباید بیش از ۱۰ دقیقه در روز برای هر سطح کلاس داده شود. این بدان معناست که به یادگیرنده کلاس اولی باید حداکثر ۱۰ دقیقه تکالیف داده شود، در حالی که به یادگیرنده کلاس دوم ۲۰ دقیقه تکالیف داده



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

می‌شود. دادن تکالیف زیاد، می‌تواند سطح استرس را افزایش داده و منجر به فرسودگی شود. این به نوبه خود تأثیر معکوس در موفقیت تحصیلی دارد (Doctoroff and Arnold, 2017).

## تکالیف در مورد مطالب خارج درسی

با فشار برای پوشش دادن همه موضوعات در آزمون‌های استاندارد و زمان محدود در طول روز مدرسه، برخی از آموزگاران تکالیفی را تعیین می‌کنند که هنوز در کلاس درس تدریس نشده است. این نه تنها استرس ایجاد می‌کند، بلکه باعث ایجاد چالش‌هایی در برابری یادگیرندگان می‌شود. برخی از والدین در چند شغل کار می‌کنند، و نمی‌توانند به کودکان خود در آموزش مفاهیم جدید کمک کنند. دریافت تکالیف با موضوعات خارج از درس برای والدین و بچه‌ها بسیار عذاب‌آور است، و هدف رسیدن به انتهای برگه با پاسخ‌هایی است که بدون هیچ‌گونه درک از اهمیت آن‌ها پر شده‌اند (باقریان فر و همکاران، ۱۳۹۵).

## تکالیف سنگین و زمان‌بر

دستورالعمل استاندارد تکالیف توصیه شده، "قانون ۱۰ دقیقه" است، که شامل ۱۰ دقیقه تکالیف شبانه در هر سطح کلاس است. به عنوان مثال، یک یادگیرنده کلاس چهارم، در مجموع ۴۰ دقیقه در هر شب تکالیف دریافت می‌کند. اما این روش همیشه مؤثر واقع نمی‌شود، به خصوص که همه یادگیرندگان یکسان یاد نمی‌گیرند. یک مطالعه در سال ۲۰۱۵ که در مجله آمریکایی خانواده درمانی منتشر شد، نشان داد که کودکان دبستانی در واقع سه برابر مقدار توصیه شده تکالیف درسی دریافت می‌کنند و استرس خانواده همراه با بار تکالیف افزایش می‌یابد (Kay et al., 19۹۴). کودکان خردسال فقط برای دوره‌های کوتاهی می‌توانند حواس خود را جمع نگه دارند، بنابراین مقدار زیاد تکالیف، به‌ویژه پروژه‌های طولانی، می‌تواند بر دیدگاه یادگیرندگان در مورد مدرسه تأثیر منفی بگذارد. برخی از پروژه‌های بلندمدت فردی معمولاً به جای یادگیرندگان، تبدیل به یک تکالیف برای والدین می‌شوند. تخصیص پروژه‌ای مانند آن که در آن چند بچه با هم روی آن کار می‌کنند، یک رویکرد مثبت است. در این صورت، بچه‌ها معمولاً روی آن پروژه کار می‌کنند. فرستادن این پروژه به خانه برای خانواده‌ها، به یک بار سنگین تبدیل می‌شود و اثربخشی واقعی ایجاد نمی‌کند (Van Voorhis, 2011).

## استدلال‌ها علیه تکالیف خانگی

تکالیفی که صرفاً متمرکز بر فعالیت درسی هستند، یادگیرندگان را مجبور می‌کنند مفاهیم جدید را در خانه یاد بگیرند، یا بیش از حد وقت‌گیر هستند، می‌توانند نتیجه معکوس داشته باشند. کارشناسان می‌گویند تکالیف مؤثر مهارت‌های ریاضی، خواندن، نوشتن یا املا را تقویت می‌کند، اما به شیوه‌ای معنادار، تکالیفی که بیشتر شبیه کار پرمشغله به نظر می‌رسند، پروژه‌ها یا تمرین‌های که نیازی به بازخورد آموزگار ندارند و با موضوعاتی که در کلاس درس یاد می‌شوند مرتبط نیستند، می‌توانند برای یادگیرندگان خسته کننده باشند و برای خانواده‌ها بار سنگینی ایجاد کنند. برخی استدلال می‌کنند که کودکان خردسال پس از یک روز طولانی در مدرسه فقط به زمان نیاز دارند تا تازه شوند. "قانون ده دقیقه" - که توسط محققان تکالیف توصیه می‌شود - یادگیرندگان کلاس اول را مجبور می‌کند که ده دقیقه تکالیف را انجام دهند، کلاس دومها بیست دقیقه و غیره. این باعث می‌شود زمان زیادی برای تازه شدن باقی بماند، و حتی تکالیف مختصر اگر به خوبی طراحی شده باشند، می‌توانند تأثیر قابل توجهی داشته باشند (Kay et al., 1994).



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

اما یک مشکل اساسی در مورد تکالیف در سطح ابتدایی مربوط به برنامه درسی است که - تا حدی به دلیل تست استاندارد - به خواندن و ریاضی محدود شده است. مطالعات اجتماعی و علوم به حاشیه رانده شده یا حذف شده‌اند، به ویژه در مدارس که نمرات آزمون در آنها پایین است. یادگیرندگان هر هفته ساعت‌ها را صرف تمرین مهارت‌های خواندنی فرضی مانند «استنتاج کردن» یا شناسایی «هدف نویسنده» می‌کنند - انواع مهارت‌هایی که آزمون‌ها بدون توجه یا با کم‌توجهی به محتوا سعی در اندازه‌گیری آنها دارند (Van Voorhis, 2003).

اما همان‌طور که تحقیقات ثابت کرده است، مهم‌ترین مؤلفه در درک مطلب، آگاهی از موضوعی است که در مورد آن مطالعه می‌کنید. زمان تکالیف که صرف «مهارت‌های» درک می‌شود، بسیار بهتر است که صرف ایجاد دانش درباره موضوعاتی شود که مدارس حذف کرده‌اند. حتی اگر آموزگاران سعی کنند از تمرین بازیابی استفاده کنند - مثلاً با درخواست کردن از یادگیرندگان برای اینکه آنچه را که در آن روز در مورد "مقایسه کردن" یا "توالی رویدادها" یاد گرفته‌اند را به خاطر بیاورند - تأثیر زیادی نخواهد داشت (Van Voorhis, 2011).

اگر می‌خواهیم از قدرت بالقوه تکالیف استفاده کنیم - به‌ویژه برای یادگیرندگان محروم - باید به آموزگاران آموزش دهیم که چه نوع تکالیفی واقعاً مؤثر هستند.

حتی اگر آموزگاران موفق به تخصیص تکالیف مؤثر شوند، ممکن است در معیارهای پیشرفت مورد استفاده محققان، به عنوان مثال نمرات آزمون استاندارد شده، ظاهر نشود. این آزمون‌ها برای سنجش مهارت‌های عمومی درک مطلب طراحی شده‌اند، نه برای ارزیابی میزان یادگیری یادگیرندگان در کلاس‌های خاص.

تحقیقاتی که توسط کسانی که مخالف تکالیف هستند به آن تکیه کرده‌اند، در واقع نشان می‌دهند که این کار در سطوح راهنمایی و دبیرستان تأثیر مثبت کمی دارد، نه در مقطع ابتدایی. اما در بیشتر موارد، مطالعات به این موضوع توجه نکرده‌اند که آیا این مهم است که چه نوع تکالیفی تعیین می‌شود یا اینکه آیا تأثیرات متفاوتی برای گروه‌های جمعیتی مختلف یادگیرنده وجود دارد یا خیر. تمرکز بر آن تمایزات می‌تواند روشنگر باشد (Valle Arias et al., ۲۰۱۹).

به عنوان مثال، مطالعه‌ای که به طور خاص به تکالیف ریاضی نگاه کرد، نشان داد که این تکالیف در مدرسه ابتدایی پیشرفت بیشتری نسبت به دوره راهنمایی دارد که دقیقاً برخلاف یافته‌های کلی در مورد تکالیف است. یک مطالعه نشان داد که کمک والدین در انجام تکالیف معمولاً پیشرفت یادگیرندگان را افزایش نمی‌دهد و حتی می‌تواند تأثیر منفی داشته باشد. مطالعه دیگری به این نتیجه رسید که یادگیرندگانی که از نظر اقتصادی محروم هستند و والدینشان در انجام تکالیف کمک می‌کنند عملکرد آنها را به میزان قابل توجهی بهبود می‌بخشد (Bempechat et al., 2011).

به نظر می‌رسد که این مخالفت با یکی دیگر از اشکالات مکرر نسبت داده شده به تکالیف است، و آن این است که به بچه‌هایی که مزیت قبلی دارند، امتیاز می‌دهد (van Voorhis, 2003). این بحث ادامه می‌دهد که والدین تحصیل کرده بهتر می‌توانند کمک کنند، و برای والدین مرفه راحت‌تر است که فضایی آرام برای کار بچه‌ها در کنار کامپیوتر و دسترسی به اینترنت فراهم کنند. در حالی که ممکن است این چیزها درست باشد، اما عدم تعیین تکالیف یا تعیین تکالیف غیر مؤثر می‌تواند به یادگیرندگان برتر امتیاز بیشتری بدهد.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

یادگیرندگان خانواده‌های کم سواد بیشتر به تقویتی که تکالیف مؤثر می‌تواند ارائه دهد، نیاز دارند، زیرا احتمال کمتری دارد که دانش را در خانه به دست آورند. تکالیف می‌تواند راهی برای والدین کم‌درآمد - که اغلب زمانی برای حاضر شدن در کلاس یا شرکت در سازمان‌های والدین ندارند - برای ایجاد ارتباط با مدارس فرزندانشان فراهم کند (Valle Arias et al., 2019). یکی دیگر از استدلال‌ها علیه تکالیف این است که باعث می‌شود یادگیرندگان احساس فشار و استرس کنند. در حالی که این ممکن است در مدرسی که به جمعیت مرفه خدمت می‌کنند صادق باشد، یادگیرندگان مدارس با عملکرد پایین اغلب اصلاً تکالیف زیادی دریافت نمی‌کنند. یک مطالعه نشان داد که یادگیرندگان کم‌درآمد به طور پیوسته دریافت حداقل تکالیف را توصیف می‌کنند، شاید یک یا دو برگه یا صفحه کتاب درسی، پروژه‌های گاه به گاه، و ۳۰ دقیقه مطالعه در هر شب و اگر تکالیف را کامل نمی‌کردند، عواقب کمی داشت (Kay et al., 1994).

اگر زمانی که یادگیرندگان محروم به دانشگاه برسند، کمبود نسبی مهارت‌های مطالعه و عادات انجام تکالیف در آن‌ها می‌تواند یک نقص جدی ایجاد کند. یک استاد دانشگاه کارولینای شمالی پس از اینکه متوجه شد که یادگیرندگان سیاه‌پوست و اسپانیایی تبار در تعداد نامتناسبی درس او را رد می‌کنند، تصمیم گرفت تغییراتی ایجاد کند، از جمله دادن تکالیف درسی که یادگیرندگان را ملزم می‌کرد تا بدون مشورت با یادداشت‌هایشان، خود را امتحان کنند. عملکرد در کلاس بهبود یافت، اما به ویژه برای یادگیرندگان رنگین پوست و افراد محروم قابل مشاهده بود و شکاف یادگیری بین دانشجویان سیاه‌پوست و سفیدپوست به نصف کاهش یافت (Warton, 2001).

میزان تکالیفی که به یادگیرندگان داده می‌شود در سطوح پایه بسیار متفاوت است. به برخی از یادگیرندگان تکالیف زیادی در ساعات خارج از مدرسه داده می‌شود، در حالی که به سایر یادگیرندگان کار کمی داده می‌شود یا اصلاً کارشان در خانه انجام نمی‌شود (Valle Arias et al., 2019).

پس چه چیزی مناسب است؟ هدف از انجام تکالیف چیست؟ مزایا و معایب تکالیف چیست؟ چه مقدار تکالیف باید تعیین شود؟ کیفیت تکالیف چقدر مهم است؟ و از همه مهم‌تر: آیا تکالیف باعث افزایش پیشرفت یادگیرندگان می‌شود؟ این سؤالات نشان دهنده بحث‌های جاری پیرامون تکالیف در دو دهه گذشته است. تکالیف درسی طی بیست سال گذشته، به‌ویژه در کلاس‌های کوچک‌تر، دو برابر شده است، زیرا مدرسه باید به اهداف پیشرفتی بالاتر از همیشه برای کودکان دست یابد.

(Paschal et al., 1984).

## نحوه صحیح اجرای راهکارهای بدون تکالیف

### ترجیح کیفیت تکالیف بر کمیت آن

تکالیف مؤثر، تکالیف با هدف است. در اکثر موارد به یادگیرندگان تکالیفی داده می‌شود که مفاهیم و مهارت‌ها را بیشتر نمی‌کند. تکالیف به این دلیل تعیین می‌شود که در ذهن جمعی ما حک شده است که تکالیف یادگیرندگانی با عملکرد بالاتر تولید می‌کند. با این حال، تکالیف زمانی مؤثرتر است که مطالبی را که قبلاً آموزش داده شده را پوشش دهد، برای مرور داده شود، یا برای تقویت مهارت‌هایی که قبلاً آموخته شده استفاده شود. به یادگیرندگان نباید در مورد مفاهیم و مهارت‌هایی که درک نمی‌کنند تکالیف داده شود (Valle Arias et al., 2019).





# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

باید توجه گردد که دلیل تکلیف تمرین مطالب است نه یادگیری مطالب. یادگیرندگان مطالب (مهارت‌ها و مفاهیم) را از درس تدریس شده در مدرسه یاد می‌گیرند. یادگیرندگان باید بتوانند کار را در خانه بدون کمک به پایان برسانند زیرا برخی از یادگیرندگان والدین تحصیل کرده‌ای ندارند که به آنها کمک کند (Kazantzis, 2017).

در نتیجه پژوهش، در تعیین اینکه آیا تکالیف درسی باعث افزایش پیشرفت یادگیرنده می‌شود یا خیر، مقدار، فراوانی و هدف باید قبل از تعیین تکلیف در نظر گرفته شود. از تکالیف باید به نحو احسن استفاده کرد. به جای کمیت تکالیف، مریبان باید کیفیت تکالیف را بهبود بخشند. تکالیف خانه باید به خوبی طراحی شوند. بنابراین، هنگام تعیین تکلیف، باید اثربخشی آن را در نظر گرفت، تکالیف باید تأثیر مثبتی بر یادگیری یادگیرنده داشته باشد. در غیر این صورت، بحث در مورد تکلیف بدون پاسخ ادامه می‌یابد (Doctoroff and Arnold, 2017).

## ارجاع هدفمند تکالیف

مریبان تکالیف را به دلایل و اهداف مختلف تعیین می‌کنند. تکالیف به عنوان تمرین، آماده سازی، گسترش یا ادغام مهارت‌ها و مفاهیم سطح پایه اختصاص داده می‌شود. تمرین تکالیف، یادگیری از مهارت‌ها و مفاهیمی را که قبلاً در کلاس درس آموزش داده شده است، تقویت می‌کند. تمرین تکالیف باعث حفظ مفهوم، مهارت و محتوای تدریس شده می‌شود. به عنوان مثال می‌توان به تمرین نوشتن جملات ساده به منظور منتقل کردن این مهارت‌ها و مفاهیم به حافظه بلند مدت اشاره کرد (Valle Arias et al., 2019).

تکلیف آماده سازی برای معرفی مطالبی که در درس‌های آینده به آن پرداخته خواهد شد، اختصاص داده شده است. با این حال، تحقیقات نشان می‌دهد که اگر تکالیف برای آموزش مهارت‌های جدید یا پیچیده استفاده شوند، کارایی کمتری دارند. برای این نوع تکالیف، یادگیرندگان معمولاً دچار استرس می‌شوند که می‌تواند دیدگاه منفی نسبت به یادگیری و مدرسه ایجاد کند.

تکالیف از یادگیرندگان می‌خواهد که از مهارت‌ها و مفاهیمی که قبلاً آموزش داده شده‌اند استفاده کنند و آنها را در موقعیت‌ها یا پروژه‌های جدید به کار ببرند (Kay et al., 1994). تکالیف ادغام از یادگیرنده می‌خواهد که مهارت‌ها و مفاهیم آموخته شده را برای تولید یک پروژه واحد مانند خواندن یک کتاب و نوشتن گزارش در مورد آن به کار گیرد. همچنین تکالیف در خدمت اهداف دیگری هستند که مستقیماً با آموزش مرتبط نیستند. تکالیف می‌تواند به برقراری ارتباط بین والدین و فرزندان کمک کند و می‌تواند از آن به عنوان نوعی انضباط استفاده کرد که می‌تواند والدین را در مورد موضوعات و فعالیت‌های مدرسه آگاه کند (Kay et al., 1994).

## تعیین حجم تکالیف

ابتدا، باید ارزیابی کرد که آیا حجم کار به همان اندازه که به نظر می‌رسد طول می‌کشد یا خیر. گاهی اوقات ممکن است کودکان شروع به کار روی یک تکلیف خانه کنند، مشغول فعالیت‌های دیگر شوند و بعداً به ادامه انجام تکلیف برگردند. والدین این موضوع را نمی‌بینند، اما می‌دانند که فرزندشان از چهار ساعت پیش شروع به انجام تکالیف خود کرده و هنوز آن را انجام نداده است. والدین نمی‌بینند که در آن چهار ساعت فرزندشان کارهای زیادی انجام می‌دهد، بنابراین زمان صرف شده برای



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تکلیف خود در واقع چهار ساعت نیست. اگر تکلیف درسی استرس‌زا می‌شوند یا حجم کاری بیش از حد است، کارشناسان به والدین پیشنهاد می‌کنند که ابتدا به آموزگار و سپس مدیر مدرسه مراجعه کنند (Doctoroff and Arnold, 2017). برخی از مدارس با استناد به تحقیقاتی نشان می‌دهند که تکلیف برای افزایش پیشرفت کار چندانی انجام نمی‌دهد، تکلیف را حذف می‌کنند. اما شاید آموزگاران فقط نیاز دارند که نوع دیگری از تکلیف را تعیین کنند. به نظر می‌رسد بسیاری از مدارس ابتدایی دیگر بی سروصدا سیاست‌های مشابهی را اتخاذ کرده‌اند. منتقدان اعتراض کرده‌اند که حتی اگر مشق شب باعث افزایش نمرات یا نمرات امتحانی نشود، مزایای دیگری دارد، مانند پرورش عادات خوب مطالعه و ارائه پنجره‌ای به والدین برای نظارت بر آنچه یادگیرندگان در مدرسه انجام می‌دهند (باقریان فر و همکاران، ۱۳۹۵).

این استدلال‌ها شایستگی دارند، اما چرا تکلیف باعث افزایش پیشرفت تحصیلی نمی‌شود؟ روان‌شناسان طیف وسیعی از استراتژی‌ها را شناسایی کرده‌اند که به یادگیرندگان کمک می‌کند تا یاد بگیرند، که به نظر می‌رسد بسیاری از آنها برای انجام تکلیف درسی مناسب هستند.

به عنوان مثال، مفهومی به نام "عمل بازیابی" وجود دارد که به معنای تلاش برای به خاطر آوردن اطلاعاتی است که قبلاً آموخته شده است. زمان بهینه برای درگیر شدن در تمرین بازیابی بلافاصله پس از به دست آوردن اطلاعات نیست، بلکه پس از آن است که یادگیرنده کمی آن را فراموش کرده باشد. یک تکلیف می‌تواند از یادگیرندگان بخواهد که بدون ارجاع به یادداشت‌هایشان به سؤالاتی درباره آنچه در کلاس آن روز پوشش داده شده است، پاسخ دهند. تحقیقات نشان داده است که تمرین بازیابی و راهبردهای یادگیری مشابه بسیار قدرتمندتر از بازخوانی یا مرور مطالب است (Valle Arias et al., ۲۰۱۹).

یک توضیح احتمالی برای عدم افزایش کلی تکلیف این است که تعداد کمی از آموزگاران از این تحقیق اطلاع دارند و بیشتر آنها در مورد چگونگی و چرایی تعیین تکلیف آموزش کمی دیده‌اند. اینها چیزهایی هستند که مدارس آموزشی و برنامه‌های آمادگی آموزگار معمولاً آموزش نمی‌دهند. بنابراین کاملاً ممکن است که بسیاری از تکالیفی که آموزگاران تعیین می‌کنند برای بسیاری از یادگیرندگان مؤثر نباشد.

## نتیجه‌گیری

این مقاله به بررسی رویکردهای تدریس بدون تکلیف پرداخته و با استفاده از روشی توصیفی، مزایا و معایب این روش نسبت به روش تدریس با ارجاع تکلیف سنتی را مورد بررسی قرار داده است و راهکارهایی برای پیاده‌سازی آن ارائه نموده است. تکلیف زمان کمتری را برای کودکی کودک باقی می‌گذارد. بچه‌ها باید بیشتر بیرون بروند و بازی کنند تا بتوانند رشد کنند و رشد کنند، اما تکلیف آنها را از این امر باز می‌دارد. همچنین تکلیف درسی باعث می‌شود که کودکان از ساعت‌های خواب فاصله بگیرند که به نوبه خود باعث افزایش بهره‌وری در درس بعدی مدرسه می‌شود. مطالعات نشان داده است که تکلیف درسی پیشرفت یادگیرندگان را از نظر نمرات بهبود یافته، نتایج آزمون و احتمال حضور در دانشگاه بهبود می‌بخشد. در حالی که مقداری از تکلیف ممکن است به یادگیرندگان کمک کند تا با یادگیری خود ارتباط برقرار کنند و عملکرد خود را در کلاس افزایش دهند، تکلیف بیش از حد می‌تواند اثرات مخربی داشته باشد. یادگیرندگانی که تکلیف زیادی دارند، سطح استرس بالایی دارند. یادگیرندگان به طور مرتب گزارش می‌دهند که تکلیف منبع اصلی استرس آنهاست. تکلیف بیش از حد می‌تواند



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

منجر به کم خوابی، سردرد، خستگی و کاهش وزن شود. تکالیف بیش از حد می‌تواند منجر به عادات غذایی بد شود و خانواده‌ها فست فود را به عنوان جایگزین سریع‌تری انتخاب می‌کنند. تعیین تکالیف اختیاری به یادگیرنده اجازه می‌دهد تا مهارت‌های مدیریت زمان خود را بهتر کند. فرصت دریافت تکالیف اختیاری این امکان را به یادگیرندگان می‌دهد که به درستی اولویت بندی کار خود را انجام دهند و زمان خود را به حداکثر برسانند.

## منابع

- ۱- عابدی، حسین، عصارزادگان، مهسا، مردانی زاده، اسماعیل، زالی بهاروند، زهرا، یوسف نژاد، آرمین. (۱۳۹۷). رابطه تنیدگی تحصیلی ادراک شده با اجتناب از پذیرش تکالیف درسی جدید در یادگیرندگان پسر مقطع متوسطه اول و دوم شهر اصفهان. مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، ۲(۱۵)، ۸-۱.
- ۲- کرامتی، انسی، رحیمی، افرا. (۱۴۰۰). شناسایی چالش‌ها و راهکارهای ارزشیابی مؤثر از یادگیری یادگیرندگان دوره ابتدایی در نرم‌افزار شاد توسط نوآموزگاران. نشریه علمی آموزش و ارزشیابی (فصلنامه)، ۱۴(۵۶)، ۶۹-۱۰۲.
- ۳- جعفری، مهدی، ساعدموچشی، لطف‌الله، مرتضوی زاده، سیدحشمت‌الله، بهادران، حمید. (۱۳۹۵). نظارت والدین بر تکالیف درسی و اثربخشی آن بر پیشرفت تحصیلی درس املاء و ریاضی. پویا در آموزش علوم تربیتی و مشاوره، ۱۳۹۵(۲)، ۱۱۱-۱۲۱، ۱۰۷.

- ۴- Kay, P. J., Fitzgerald, M., Paradee, C., & Mellencamp, A. (1994). Making homework work at home: The parent's perspective. *Journal of learning disabilities*, 27(9), 550-561.
- ۵- Bempechat, J., Li, J., Neier, S. M., Gillis, C. A., & Holloway, S. D. (2011). The homework experience: Perceptions of low-income youth. *Journal of Advanced Academics*, 22(2), 250-278.
- ۶- Dolean, D. D., & Lervag, A. (2020). Variations of homework amount assigned in elementary school can impact academic achievement. *The Journal of Experimental Education*, 90(2), 280-296.
- 7- Paschal, R. A., Weinstein, T., & Walberg, H. J. W. (1984). The effects of homework on learning: A quantitative synthesis. *The Journal of Educational Research*, 78(2), 97-104.
- ۸- Cooper, H., Lindsay, J. J., Nye, B., & Greathouse, S. (1998). Relationships among attitudes about homework, amount of homework assigned and completed, and student achievement. *Journal of educational psychology*, 90(1), 70.
- ۹- Van Voorhis, F. L. (2003). Interactive homework in middle school: Effects on family involvement and science achievement. *The Journal of Educational Research*, 96(6), 323-338.
- 10- Kazantzis, N., Whittington, C., Zelencich, L., Kyrios, M., Norton, P. J., & Hofmann, S. G. (2016). Quantity and quality of homework compliance: A meta-analysis of relations with outcome in cognitive behavior therapy. *Behavior Therapy*, 47(5), 755-772.